

طرحهای مختلف بته جقه

از هند باستان آمده است و دلیل اعتقاد آنها شاید آن باشد که شالهای کشمیری بطور کلی با انواع این بته همزین است. اما اگر بیاد بیاوریم که در زمان صفویه هنر ایرانی تأثیر شگرفی بر هنر هندی کرده است و توجه کنیم که شالهای کشمیر از قرن هیجدهم میلادی است که شهرت مییابد، بستنی این اعتقاد اطمینان مییابیم. بعلاوه باید بگوئیم که تمام شالهای کشمیر هم در خود کشمیر بافته نمیشوند بلکه در سایر نقاط هند نیز چنین شالهایی و بهمین نام می‌بافتند و حتی قالیه‌های منسوب بکشمیر نیز وجود دارد که در خراسان و کرمان بنام قالی کشمیری بافته میشوند. هم بستگی نژادی و قرب جوار وجود این طرح را در هند و ایران توجیه میکنند. و بعد پیوستگی حیرت‌آوری که مذهب اسلام میان

بته‌هایی که ضمن این مختصر بنظر خوانندگان میرسد انواع بته ترمه‌ای است که به بته جقه و بته کشمیری هم شهرت دارد. در اینکه طرح بته جقه یک نقش قدیمی ایرانی است تصور نیروی شکی وجود داشته باشد. اما ضمناً نقاشی این بته را در منسوجات هندی و اسلامی نیز می‌یابیم و اینکه این بته و طرحهای گوناگون آن چنان جلب توجه کرده است که در محصولات ماشینی اروپائی و حتی پارچه‌های نایلون و مشمع کف اطاق هم دیده میشود. نزد طراحان ما این بته بیشتر به بته کشمیری معروفست و گروهی از نقاشان ایرانی هم اعتقاد دارند که این طرح

بته ترمه‌ای دوقلو که داخل آن باختائی و گل تزیین شده است و دم آن بیک برگ شکسته منتهی گشته.

پذیرفته است که برای تن آسانی و اهمال مجال و فرصتی باقی نگذاشته. هنرمند امروز نیز در ادراک هنری خویش دستخوش همین تحول و تبدیل است. اثر هنری او باید جاندارتر و جنبه‌تر باشد. اگر هنر قرون وسطی را هنر استاتیک بنامیم هنر امروز را هنر دینامیک باید نامید. موسیقی کلاسیک جای خود را به موسیقی جدید داده است. نقاشی کلاسیک بنقاشی سمبولیک و سور رئالیست تبدیل شده است. جهان متحول در کلیه شئون زندگی تغییر کرده و هنر نیز به تبع این تجدد نوشته است. ادبیات و شعر در فاصله‌ای بین هنر پلاستیک و موسیقی (یا هنر جاندارزنده) قرار دارد. با ترکیب الفاظ (و نهفتن مضامین پنهان در آنها) از هنر پلاستیک؛ و با سیر اندیشه (از معنی و مفهوم هر لفظ بلفظ دیگر) از موسیقی تقلید کرده کمک میگیرد...





نوع دیگری از به ترمه‌ای دو قلو



به ترمه‌ای که دور آن بانیمی از گل‌های
سه پر زینت شده‌است و داخل آن یک
طرح ختالی با گل‌های پنج پر قرار دارد

که « طرح اصلی شالهای کشمیری که از قرن هجدهم
 رواج یافته است نقش گلها و یاقته های مخروطی شکلی است
 که از هنر ایرانی تقلید شده است. »

به ترمه ای سه قلو

غالب هنرشناسان هنرهای شرقی که از بته جقه نام
 برده اند طرح آنرا یک طرح « استیلزه » از سرو دانسته اند.
 تقدیس درخت سرو در ایران باستان و و فورسرو در حجاریهای



شکوه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

شرق و غرب و کلیه ملل مسلمان بوجود آورد باعث
 اشاعه و نشر طرحها ، نقش ها ، افکار و عقاید ملل تابع
 در نزد یکدیگر گردید و از این مجموعه هنر اسلامی بوجود
 آمد . در موزه متروپولیتن نیویورک یک قطعه پارچه
 ابریشمی متعلق بسوریه و قدمت قرن هشتم و نهم هجری
 موجود است که مزین به بته کشمیری است . تصویر این
 پارچه را آقای دیماندا^۱ متخصص هنر های شرق نزدیک
 در کتاب محققانه خود بنام « راهنمای هنر اسلامی » آورده^۲
 است و همین هنرشناس آمریکائی در همین کتاب مینویسد

۱) Dimand در کتاب A Hand Book of Muhammadan Art

به ترمه‌ای که داخل آن باگلهای زینت شده‌است
و دم آن بیک حرکت اسلیمی شکسته عجم
شده است .

به ترمه‌ای دوقلوکه دور آن با پیچک
حلزونی شکل زینت شده است .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

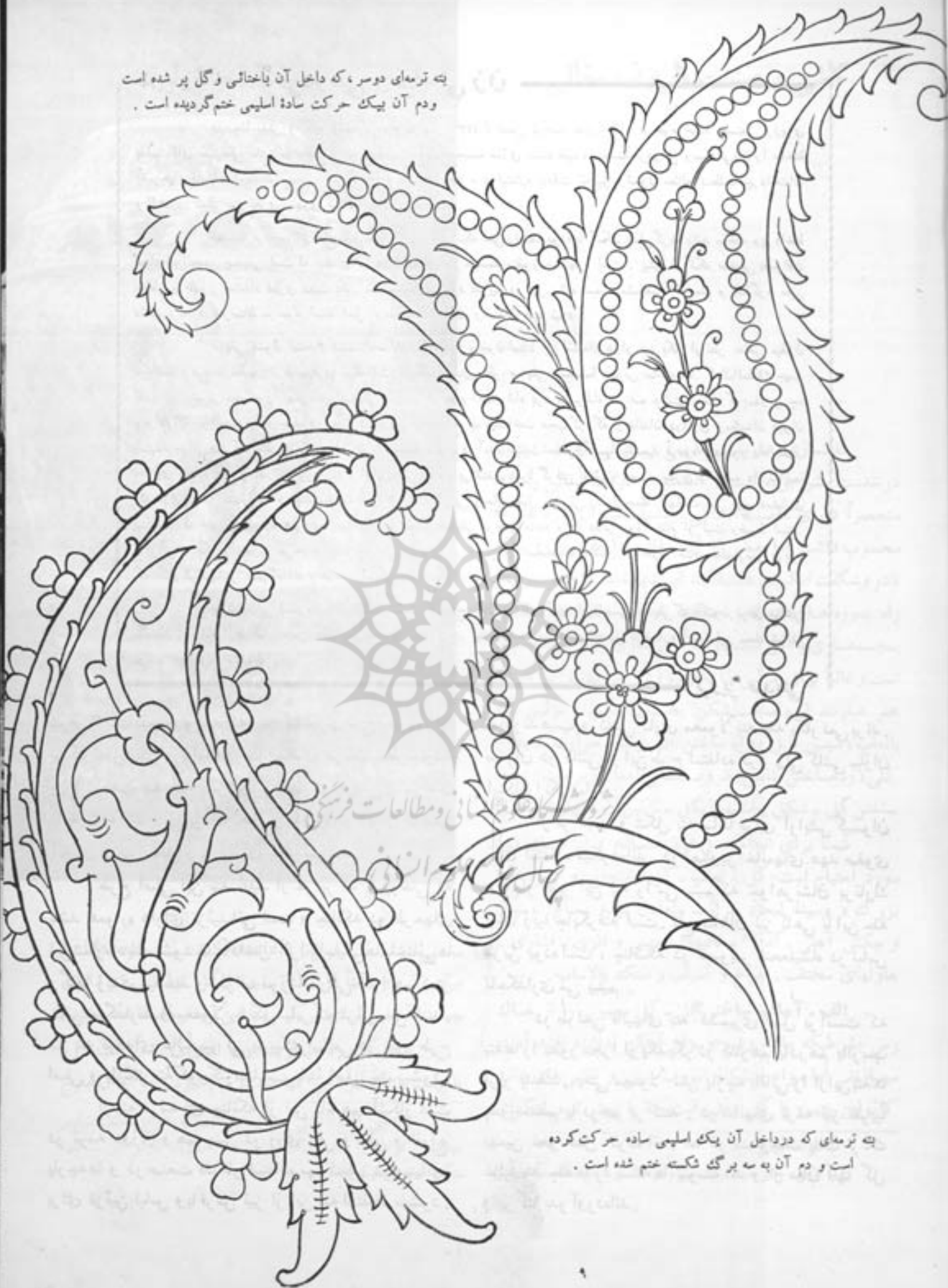
تخت جمشید و سپس تشبیهات بی‌شمار شاعرانه اندام معشوق
بمسرودر ادبیات فارسی نشان می‌دهد که ایرانیان همواره توجه
خاص و ستایش آمیزی نسبت باین درخت طناز داشته‌اند و هیچ
بعید نمی‌نماید که سرو این چنین بصورت پته‌جقه تجرید یافته
باشد.^۱

آقای هاینریش یا کوبی در کتاب^۲ « چگونه فرشهای

۱) در اینجا این مطلب را نیز نباید ناگفته گذاشت که هم در ادبیات فارسی
و هم در متون مذهبی ایران بلستان داستان سرو کشمیر بکرات آمده است
ویکی از دلکشترین بخشهای شاهنامه دقیقی داستان کاشتن سرو کاشمر
بندست گشتاب است .

۲) Heinrich Jacoby در کتاب How to Know Oriental Carpets and Rugs

به ترمه‌ای دوسره که داخل آن باختانی و گل پر شده است
و دم آن بیک حرکت ساده اسلیمی ختم گردیده است .



به ترمه‌ای که در داخل آن یک اسلیمی ساده حرکت کرده
است و دم آن به سه برگ شکسته ختم شده است .

درباره مجسمه فردوسی و سیاه نی زن

در مجله نقش و نگار (شماره سوم - بهار ۱۳۳۶) ضمن ترجمه حال و آثار مرحوم استاد حسنعلی وزیری بقلم آقای حسینعلی ملاح ملاحظه شد که در قسمت آثار مجسمه سازی استاد فقید، مجسمه فردوسی و سیاه نی زن را ساخته آن مرحوم قلمداد کرده‌اند. عجب است که چرا نویسنده محترم در اینباره با دقت تحقیق و شمول مطالعه بمطلب نپرداخته‌اند و البته در کمال بی نظری، سهوی بر قلم ایشان رفته است.

مجسمه فردوسی و حاج مقبل سیاه نی زن بی آنکه کسی راهنما بوده یا کمک عملی کرده باشد ساخته و پرداخته استاد ابوالحسن صدیقی است که امضای او در دامان هر دو مجسمه منقور و مشهود است. پیش از آنکه صدیقی بصرافت خاطر و ظهور استعداد فطری دست بکار مجسمه سازی شود تقریباً در این رشته قسمت مشخصی که معلم و شاگرد معین داشته باشد در هنرستان مرحوم استاد اجل او حد کمال الملک رحمه الله علیه نبود.

صدیقی بسوق استعداد دست به سنگ و گل برد و چون استاد این استعداد، در او دید بکار او نظر خاص مینول میداشت و هیچ از تعلیم و ترغیب فرو نمیگذاشت تا اینکه نخستین اثر صدیقی، مجسمه ونوس ساخته شد. کمال الملک جهت تقدیر و تشویق مجسمه را به همراهی صدیقی بدربار مرحوم احمد شاه برد و پیرشاه عرضه داشت. شاه که پدر و جد و برادران ابوالحسن را که جمله در زمره درباریان بودند خوب میشناخت عجب کرد که از خاندان درباری و معتمدان دیوان استیفا جوانی هنر آموخته و از مکتب نقاشان و مجسمه سازان در آمده بییند. حضوراً بسیار تمجید فرمود و دستور داد بطور مقرر ۳۰ ماهانه ۳۰ تومان پاد پیردازند. از این پس علاوه بر اشتغال بقرا گرفتن نقاشی، مجسمه سازی را ادامه داد تا آنجا که در این هنر ممتاز شد و چند مجسمه معروف که فردوسی و حاج مقبل سیاه نی زن از جمله آنهاست بی هیچ دستکاری بساخت که هنوز در موزه هنرهای زیبا بنام ابوالحسن صدیقی برجای مانده و در دفاتر موزه بنام او ثبت و ضبط است. بنابراین هیچگونه دخالتی مرحوم استاد حسنعلی وزیری در ساختن این مجسمه‌ها نداشته. او خود استاد مسلم و مبرز بود که آثار گرانبها بر جای گذاشته و حاجت بستگی با اثر دیگران ندارد.

چون در این شماره مجال اطاب نیست، شرح حال و آثار آقای ابوالحسن صدیقی که اکنون برای ساختن مجسمه نادرشاه از طرف انجمن آثار ملی مأمور است و در ایتالیا بسر میبرد به تفصیل در شماره آینده این مجله شریفه نوشته خواهد. انشاء الله.

پرویز صدیقی

امادر تذهیب و کاشی کاری معمولاً بته جقه بکار نمی برند. میتوان در کاشی از این طرح استفاده کرد ولی کاشی سازان اینکار را نکرده‌اند.

از ترکیب و شکل بته سابقاً برای آرایش گیسوان زنان استفاده میکرده‌اند. در تصاویر خانمهای عهد صفوی و قاجار نظیر این بته را می بینیم که جواهر نشان بر تارک زنان زیبا جایگرفته است. تاج شاهان نیز گاهی با این جقه مزین بوده است، چنانکه در تصویر فتحعلیشاه در لباس تاجگذاری می بینیم.

در طراحی قالیهای بته کشمیری اصل بر آنست که بته‌ها را بطور مجزا از یکدیگر در کنار هم یا درهم یاریب قرار بدهند. یعنی معمولاً متن پارچه یا قالی را از این بته‌ها بطور منظم یا درهم پر کنند. در شالهای ترمه نیز تقریباً بهمین نحو عمل کرده‌اند. اما در منسوجات بافت فرنگ غالباً بته جقه‌ها را بساقه‌ها پیوسته‌اند و از میان آنها گل و برگ بدر آورده‌اند.

شرفی را بشناسیم «مینویسد که» بته کشمیری طرح تجریدیافته برگ نخل است. «اما این نظر چندان درست بنظر نمیرسد زیرا شباهت بته جقه بسرویی سر خم کرده بسی بیشتر است تا به طرح باد بزنی برگ نخل و بعلاوه در ایران توجهی آنچنان شدید بنخل و برگ آن بنظر نمیرسد.

طرح اصلی این بته تقلید از هر برگ یا دوختی که باشد همواره دارای تزئیناتی است و چنانکه در طرحهای این شماره دیدمیشود غالباً داخل آنرا با اسلیمی‌ها یا ختانی‌ها و گلها زینت میدهند و اطراف مرز خارجی آنرا هم کمتر خالی میگذارند و معمولاً با گل یا برگ تزئین می کنند. دم بته ترمه‌ای غالباً برگگی یا بیک اسلیمی در خور طرح اصلی و یا بیک بته کوچکتر متناسب با بته اصلی ختم میشود. از بته ترمه‌ای چنانکه از این نام هم آشکار است در ترمه دوزی و هم چنین در زری بافی و قالی و انواع پارچه‌ها و در صنعت قلمکار استفاده می کنند. در مینیاتور برای تزئین لباس و یا فرش نیز از این بته استفاده میشود.